

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد

۱۰ جولای ۲۰۱۳

جامعه مصر به کدامین سمت می‌رود؟

"انقلابی" دیگر در مصر به وقوع پیوست و این بار هم، هدایتگر آن ارتش بود؛ همان ارتشی که چندین دهه کمونیست‌ها، کارگران و توده‌های معترض را سرکوب نموده است؛ همان ارتشی که دهه‌ها از «حسنى مبارک» حمایت نمود؛ همان ارتشی که به پشتی‌بانی از «مُرسی» برخاست؛ و همان ارتشی که از تأمین منافع طبقه سرمایه‌دار کمترین تعللی از خود به خرج نداده و نمی‌دهد. دنیا "تغییر" کرده است و "برقراری نظم نوین جهانی" هم، نیاز به هدایت "تازه" مبارزات اعتراضی میلیون‌ها انسان دردمند از زیر سلطه نظام‌های وابسته به امپریالیسم دارد. دنیا "تغییر" کرده است و به دنباله آن نیاز به اتخاذ سیاست تازه امپریالیستی و همچنین حقنه دار و دسته‌های خودی و آن‌هم به‌عنوان ناجیان رهائی توده‌ها از زیر ستم و خرافات مرتجعین به جامعه است.

به هر حال و علی‌رغم جا به‌جائی‌های دولت‌مردان توسط خودی‌ها در اینجا و در آن‌جا، از توضیح یک موضوع روشن و حقیقی نمی‌توان غافل ماند و آن این است که اوضاع درونی جوامع متفاوت به شدت انفجاری است. دلیل آن به نداری و به ناتوانی مردم از تهیه نیازهای اولیه زندگی بر می‌گردد. به همین دلیل می‌خواهند با تغییرات در میان بالائی‌ها، مانع مبارزات رادیکال کارگری – توده‌ای گردند. مدت‌هاست که "ناجیان انقلاب"، سرمایه‌داران و حاکمان فهمیده‌اند که مردم از دست نظام‌های کنونی کلافه‌اند؛ فهمیده‌اند که مردم بیش از این، حاضر به کرنش در مقابل حاکمان قلدر و جانیان بشریت نیستند، بی دلیل هم نیست که پا در میانی می‌کنند؛ پا در میانی‌هایی که نه تنها در خدمت به سازندگی جامعه نیست بلکه در جهت تخریب هر چه بیش‌تر زندگی میلیون‌ها انسان ندار است. دیروز "ارتش آزاد سوریه" را از درون آن نظام گندیده علم نموده‌اند و امروز ارتش مصر را به‌عنوان مدافع دموکراسی و به رسمیت شناختن حقوق مردمی به جامعه معرفی می‌نمایند. تهوع‌آور است و با هیچ منطق، و با هیچ سیاستی به‌غیر از سیاست سرمایه‌داران نمی‌توان توضیح داد.

به بیانی و هم‌زمان با تغییر و تحولات چند ساله اخیر در مصر، و همچنین با به زیر کشیدن «مُرسی» و اخوان‌المسلمین از حاکمیت، این سؤال در مقابل هر انسان مدعی دفاع از حقوق میلیون‌ها توده رنج‌دیده قرار می‌گیرد که جامعه مصر به کدامین سو خواهد رفت؟ بیم‌ها و امیدها چیست و برای عبور از تهدیدات و خطرات آتی، مردم مصر نیازمند اتخاذ کدامین سیاست‌ها و تاکتیک‌ها و مهم‌تر از همه این‌ها، مستلزم لایروبی کدامین عناصر، ارگان‌ها و نهادهای وابسته به سرمایه از صفوف خودی‌ست؟

شکی در آن نیست که اعتراضات توده‌های به خیابان آمده مصر، به‌حق و قابل پشتی‌بانی است. چنین اعتراضاتی به‌مانند صدها اعتراض توده اقصا نقاط دنیا، نشان‌گر عصیان آنان از وضعیتی است که سرمایه‌داران بین‌المللی و حامیان‌شان ساخته‌اند؛ نشان‌گر آن است که دنیای انسانی خواهان تداوم اوضاع ناهنجار زندگی میلیاردها انسان دردمند نیست.

واقعیت این است که قوانین کنونی دنیا در تخالف با خواسته‌های بنیادی محرومان نوشته شده است و می‌بایست به‌همراه مدافعینش سوزانده شود. مگر بی دلیل است که مردم برای بازستانی حقوق پامال شده‌شان دست به تحصن و اعتراض می‌زنند و به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند؟ چند دهه‌ایست که چهره دنیای کنونی در هم ریخته شده است و به تبع آن سرمایه‌داران بین‌المللی آن‌چنان فشاری بر جامعه و بر زندگی مردم آورده‌اند که قابل توضیح نیست. شکاف طبقاتی در جوامع سرمایه‌داری تنگ و تنگتر می‌شود و سرمایه‌داران بر آنند تا با گسترده‌گی چهل و خرافات، و با علم نمودن نهادها و سازمان‌های وابسته و ارتجاعی همچون اخوان المسلمین، از مبارزات پیش‌رونده کارگران و زحمت‌کشان جلوگیری نمایند. به زعم خود و در مصر، «مُرسی» و اخوان المسلمین را بر سر کار گماردند تا خواسته‌های پامال شده میلیون‌ها انسان را به عقب برگردانند. سیاست و اهداف پلیدی که، پاسخ خود را از میدان "التحریر" و آن‌هم در دوران زمامداری یک‌ساله «مُرسی»، گرفته است، سیاستی که باعث عکس‌العمل ارتش وفادار به نظام سرمایه‌داری گردیده است؛ از یک‌طرف ارتش به‌منظور حفظ و پایداری درازمدت‌تر مناسبات سرمایه‌داری، «مُرسی» را به‌مانند «حسنی مبارک» به زیر کشید تا جنبش به کج‌راه رود و از طرف‌دیگر، پُر دفاع از دموکراسی و منافع توده‌ها را به‌خود می‌گیرد؛ همان ارتشی که در دوران حکومت‌داری «مُرسی»، مخالفت خود را از تجمع توده‌ها در میدان "التحریر" اعلام نمود و به سرکوب آنان پرداخت؛ همان ارتشی که مدافع حفظ و امنیت سیستم و مناسبات امپریالیستی‌ست.

معین است که سرمایه به‌همراه دم و دستگاه‌های سرکوب‌گرش به فکر توده‌های محروم نیست و به دنبال ایجاد بلبشوی مسلحانه توسط سازمان‌ها و نهادهای مرتجع و وابسته به خود می‌باشد. چرا که می‌داند تجمع مردم در خیابان‌ها و در میدانی متفاوت، بر دامنه و بر رادیکالیزم مبارزات توده‌ای خواهد افزود و مانع نقشه‌های شوم و پلید استثمارگران و منفعت‌طلبان خواهد گردید. سال‌هاست که حوزه و اولویت سودآوری سرمایه‌داران و ظالمان به گونه‌ای دیگر تعریف گردیده است؛ سودآوری و سیاستی که تجلی و نماد خود را در عراق، افغانستان، لیبیا و سوریه به‌عینه به نمایش می‌گذارد. در حقیقت این‌روزها بر پائی جنگ و آشوب، نعمت بزرگی برای سرمایه‌داران بین‌المللی‌ست و بر مبنای چنین ادله‌ایست که می‌توان تأکید ورزید که در مصر، بوی تنش مسلحانه فی‌مابین نهادها و ارگان‌های وابسته به سرمایه‌های بین‌المللی می‌آید؛ بوی تخریب زیر ساخت‌های جامعه و آواره نمودن مردم از خانه و کاشانه‌شان به مشام می‌رسد. به عبارتی واقعی‌تر جامعه و مردم مصر به نقطه حساس و تعیین‌کننده‌ای رسیده‌اند و نیاز به هدایت، و حمایت سالم دارند.

به باوری ایستادگی مردم مصر در مقابل سیاست‌های ارتجاعی «مُرسی» و اخوان المسلمین قابل قبول، و مقبول‌تر از آن، نیاز به فاصله‌گیری عملی با عناصر، نهادها و ارگان‌هایی‌ست که «مُرسی» و دار و دسته‌هایش را به زیر کشیدند. به نگاهی حقیقی تفاوت بسیار عظیمی مابین خواسته‌های میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش مصری، با خواسته‌ها و وابستگی هم‌چون البرادعی، "جبهه نجات ملی" و ارتش امپریالیستی‌ست. پُر واضح است که چنین عناصر، نهادها و ارتش‌هایی نجات‌دهنده بردگی و بندگی محرومان نیستند و در عوض، بانی و مدافع بی‌چون و چرای به انقیاد کشاندن جامعه و زندگی مردم‌اند. با این اوصاف به صلاح نیست که تا نسبت به خطرات و تهدیدات آتی مردم ستم‌دیده مصر، بی‌تفاوت بود و از بیان حقایق طفره رفت. روشن است که فضای جامعه مصر بار دیگر تغییر یافته است و متأسفانه این‌بار هم مبارزات و اعتراضات مردمی در آغازین راه و آن‌هم توسط ارتش به کج‌راه کشیده شده است. مبارزات و اعتراضاتی که علی‌رغم دست‌آوردها و ثمره‌های مثبت، در دالان‌های سرمایه‌داران جانی گیر کرده است و مخالفان طبقاتی توده‌ها مسیر جنبش‌های خودجوش اعتراضی را به سمت سیاست‌های دلخواه خود سوق می‌دهند. با این اوصاف ارائه تصویر و استنتاجات ناصحیح از اعتراضات تکنونی مردم مصر نه تنها در خدمت به صیقل بخشیدن اعتراضات

آنان نیست بلکه نمایانگر ارزیابی‌های نادرست از آرمان مارکسیست – لنینیستی پیرامون ماهیت انقلابات کارگری – توده‌ئی‌ست.

خلاصه این‌که، جهان انسانی در درجه نخست نیاز به بر شماری حقایق و ماهیت حقیقی انقلابات و اعتراضات کارگری – توده‌ئی جوامع متفاوت، و در ثانی نیاز به توضیح عملکرد امیدگان انقلاب، نهادها و ارگان‌های وابسته به سرمایه‌های بزرگ جهانی دارد. مدت‌هاست که ضد انقلابیون میادین متفاوت را قُرق نموده‌اند و منطقه خاورمیانه پُر از فعالیت‌های ضد انقلابی سازمان‌یافته دسته‌جات و ارگان‌های وابسته مسلح به سرمایه‌های بین‌المللی‌ست. عراق، افغانستان، لیبیا و سوریه را می‌توان من‌حیث‌المجموع از این‌دست مناطق و فعالیت‌های ضد انقلابیون به حساب آورد. فعالیت‌هایی که باعث به هدر دادن انرژی و پتانسیل توده‌های ستم‌دیده گردیده است. مگر بیش از دو سالی نیست که مردم آزاده جهان، شاهد درگیری نیروهای ضد انقلاب و مرتجع و آن‌هم در میادین متفاوت سوریه‌اند؟ در کنار آن مگر سال‌ها نیست که سرمایه‌داران بین‌المللی و دار و دسته‌های رنگارنگ‌شان، قتیله جنگ خانمان‌سوز در افغانستان را بالا نگه داشته‌اند و مردم این سرزمین، تاوان زیاده‌خواهی‌های دولت‌های امپریالیستی و نیروهای وابسته به سرمایه را باز پس می‌دهند؟ مسلم است که اصلاً و ابداً سرمایه‌داران بین‌المللی، با تداوم چنین اوضاع ناهنجاری مخالف نیستند و در عوض بر آنند تا دیگر جوامع "آرام" را، به جوامع ناآرامی همچون عراق، افغانستان و سوریه مبدل سازند. دهه‌هاست که در پی تحقق چنین سناریوهایی در جوامع متفاوت‌اند، و دهه‌هاست که در پی آنند تا با راندن مردم از سرزمین‌های خودی، مانع روشن‌گری، و مانع به پاخاستن کارگران و زحمت‌کشان و انقلابات واقعی گردند.

این روزها بر پائی جنگ و راه‌اندازی آشوب و تنش از نوع سوریه، سودآورست. سودآوری‌های کوتاه و بلند مدت برای قدرت‌مداران بزرگ جهانی دارد. فروش سلاح‌های متفاوتِ توأم با به یغما بُردن منابع طبیعی مملکت و مهم‌تر از همه این‌ها مترادف با به بر چیدن اعتراضات و تجمعات خیابانی‌ست. چرا که می‌دانند تجمعات خیابانی سالم در تداوم خود، دمار از روزگارشان را در خواهد آورد و بساط‌شان را در هم خواهد ریخت. بی دلیل هم نیست که چنین سناریویی را در این‌کشور و در آن‌کشور پیاده می‌نمایند. بنابراین خلاصی و منافع جامعه و مردم مصر هم، با رد عملی سیاست‌های دلخواه قدرت‌مداران بزرگ جهانی و دار و دسته‌های‌شان گره خورده است. جانپان و دار و دسته‌هایی که در فکر تعرض به اموال عمومی، و در فکر یورش هر چه بیش‌تر تئمه‌های کارگران و زحمت‌کشان‌اند. متأسفانه این آن اوضاعی‌ست که بر فضای جامعه مصر سایه انداخته است و بدون کمترین شک و شبهه‌ای رهائی و عبور از آن، منوط به دخالت‌گری فعال و عملی کمونیست‌هاست.

۹ جولای ۲۰۱۳

۱۸ تیر [سرطان] ۱۳۹۲